

بررسی اثرات خلاقیت، هوش و ویژگی‌های شخصیتی بر میزان درک و فهم جوانان ۱۷ تا ۱۸ ساله مجرد و مذکر در دو کشور ایران و آذربایجان نسبت به دو بیتی‌های شهریار و وهاب‌زاده

منصور عاشقی*

چکیده: این تحقیق، به بررسی اثرات خلاقیت، هوش و ویژگی‌های شخصیتی بر میزان درک و فهم جوانان ۱۷ تا ۱۸ ساله مجرد و مذکر در دو کشور ایران و آذربایجان نسبت به دو بیتی‌های شهریار و وهاب‌زاده پرداخته و سؤال اصلی تحقیق بدین ترتیب تدوین شد که: آیا هوش، خلاقیت و ویژگی‌های شخصیتی، می‌تواند میزان درک و فهم را افزایش دهند یا خیر؟ در راستای پاسخ‌گویی به سؤال اصلی تحقیق، فرضیه اصلی بدین ترتیب عنوان گردید که هوش، خلاقیت و ویژگی‌های شخصیتی، بر میزان درک و فهم جوانان از اشعار شهریار و وهاب‌زاده مؤثر است. روش تحقیق حاضر توصیفی، از نوع زمینه‌یابی است. جامعه آماری تحقیق حاضر نیز که در حیطه جوامع نامحدود جای می‌گیرد، عبارتند از: جوانان ۱۷ تا ۱۸ ساله مجرد و مذکر ایران و آذربایجان که از این تعداد، ۱۲۰ نفر از جوانان ایران و ۱۲۰ نفر از جوانان آذربایجان که همگی در دامنه سنی ۱۷ تا ۱۸ سال واقع شده و مجرد و مذکر می‌باشند، به‌عنوان حجم نمونه تحقیق حاضر انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این تحقیق عبارتند از: آزمون خلاقیت تورنس، مقیاس هوشی استانفورد-بینه، ویژگی‌های شخصیتی NEO و دویبیتی‌های منظوم؛ که تمامی ابزار دارای روایی و اعتبار بالاتر از ۰/۷۰ می‌باشند. در نهایت، با استفاده از مدل آماری رگرسیون چندمتغیری، به آزمون فرضیه‌های تحقیق پرداخته و یافته‌های تحقیق نشان داد که رابطه معناداری بین خلاقیت، استدلال سیال، دانش و انعطاف‌پذیری با میزان درک و فهم وجود دارد. بدین ترتیب که با افزایش خلاقیت، استدلال سیال، دانش و انعطاف‌پذیری، میزان درک و فهم از اشعار شهریار و وهاب‌زاده نیز افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: خلاقیت، هوش، ویژگی‌های شخصیتی، درک و فهم.

* دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه علوم تربیتی، رودهن، ایران. mr_ashoghi@yahoo.com

مقدمه

درک و فهم، یک فعالیت پیچیده است و هیچ روشی به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی همهٔ موقعیت‌ها باشد. درک و فهم، به هنگام کسب مهارت‌های و در زمان انجام فعالیت ایجاد می‌شود، یعنی در رفتار فرد رخ می‌دهد. در این حال اگرچه ممکن است عقل او حکم کند که راه تازه بهتر است، ولی ممکن است احساس او نسبت به روش قبلی تعصب نشان دهد. این امر به‌ویژه در مورد راه‌های مطالعه بهتر صادق است. راه‌های قدیمی مطالعه راه‌های امن‌تری هستند، ولی اگر راه تازه‌ای آموخته شود، دنیای تازه‌ای به روی ما باز شده است (سیف، ۱۳۷۸).

معمولاً روان‌شناسان و آموزش‌دهندگان واژه خواندن را به صورت یکسانی مورد استفاده قرار می‌دهند. آنها برای تشخیص اینکه فردی واقعاً قادر به خواندن موارد متعدد می‌باشد، روی خواندن نمادهای نوشتاری (یعنی: نمادهایی که به صورت ترسیم شده، بریده شده، حک شده، چاپ شده، نوشته شده و یا هر شیوه دیگری که افکار را به صورت خطوط، علائم، یا مشخصات قرار گرفته بر روی سطح در می‌آورد) متمرکز می‌شوند. آنها تأکید دارند که خواندن به هر دو توانایی سازمان‌بندی معنا از نمادهای نوشتاری و دادن معنی به این نمادها، مربوط می‌شود.

درک و فهم خواندن را بر مبنای رویکرد تحلیل جمله می‌توان به عنوان یک معرفه‌ای از موفقیت یادگیرنده از ساختارسازی و مفهوم‌سازی در نظر گرفت و به میزان تعامل مواد درسی و یادگیری‌های قبلی آن توجه ویژه‌ای را مبذول نمود. در درک و فهم خواندن، باید به شناسایی ساختارسازی معنایی یادگیرنده تأکید کرد و آن را به عنوان بهترین ملاک درک و فهم خواندن در نظر گرفت.

کیج^۱ در مفهوم سازی درک و فهم خواندن، آن را به عنوان یک فرایند پویا توصیف می‌کند که یادگیرنده و یا خواننده تلاش می‌کند تا عناصر اولیه متن یادگیری را با عناصر اساسی دانش پیشین خود ترکیب نموده و آن گاه بتواند معرفه‌های خاصی را در حافظه‌اش ساختارسازی کند. وی این گونه معرفه‌ها را که به تلفیق دانش پیشین فرد و موارد خوانده شده معطوف است، تحت عنوان دو حیطه کلی خرده ساختارها و عمده ساختارها تعریف می‌کند.

فرایندهای درک و فهم را می‌توان بر طبق عوامل زیادی طبقه‌بندی کرد. مثلاً سرعت در سطوح مختلف درک، هدف‌های مختلف خواننده، زمان و غیره ارزش خاص خود را دارد، ولی هیچ یک به خودی خود کامل نیست. سابقه مطالعه مفاهیم درک و فهم، شاید به موازات مطالعه تاریخ و

نوشته‌های نخستین ناظر بر استنباط و برداشت‌های اندیشمندان در باب مفاهیم درک و فهم باشد. اما آنچه مشخص می‌باشد این است که دیدگاه‌های افراد مختلف در مورد دو مفهوم یاد شده متفاوت است.

عده‌ای از اندیشمندان اعتقاد دارند که درک و فهم در نزد انسان‌های عاقل مشهود است و افرادی که از عقل سلیم برخوردار می‌باشند، از میزان درک و فهم بالاتری نسبت به دیگران برخوردارند. از این‌رو، با ذکر مفاهیمی همچون درک و فهم، نماد یک انسان عاقل در ذهن متبلور می‌شود. عقل در معنای مصدری آن به معنی بازداشتن و بند زدن است. یعنی نوعی بازدارندگی از وقوع در خطا و خطر؛ بنابراین، عاقل هم به معنای کسی است که بتواند خیر و شر را تشخیص دهد و هم به معنای کسی که امیالی که سبب ویرانی‌اش می‌شود بند بزند. در دوره‌های مختلف تاریخ، بحث‌ها و موضع‌گیری‌های متنوعی در باب عقل روی داده است؛ به طوری که می‌توان غنی‌ترین و کامل‌ترین منبعی که درباره عقل و خرد به اظهار نظر پرداخته است را دین الهی و وحی دانست (حسن زاده، ۱۳۸۱).

بسیاری از روان‌شناسان از جمله بینه و سیمون (۱۹۰۵)، اعتقاد دارند که میزان درک و فهم هر انسانی، از هوش وی سرچشمه می‌گیرد. آنها اعتقاد دارند که خوب درک کردن و خوب استدلال کردن، از فعالیت‌های اساسی هوش است. از این‌رو، هوش را یک استعداد فکری بنیادی می‌دانند که تغییر یا فقدان آن برای زندگی عملی، اهمیت به‌سزایی دارد (روید، ۲۰۰۵).

سازه هوش به عنوان یکی از مهم‌ترین سازه‌هایی که در علم روان‌شناختی مطرح شده است و به وسیله بزرگانی همچون بروکا^۱، گالگون^۲، رنگ و روی علمی را به خود پیدا کرده است توسط بینه به حیطه روان‌سنجی وارد گردیده و امروزه از آن تحت عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم در پژوهش‌های روان‌شناختی یاد می‌شود براساس دیدگاه اریک^۴ (۱۹۹۴)، سازه هوش از مهم‌ترین سازه‌های روان‌شناختی بوده که در تمامی رشته‌های روان‌شناسی حتی در روان‌شناسی شخصیت نیز مطرح شده و در رشته‌های کاربردی روان‌شناختی تقویتی از اهمیت و ضرورت فزاینده‌ای برخوردار می‌باشد. همچنین، خلاقیت نیز به عنوان یکی از ویژگی‌های روان‌شناختی محسوب گردیده که اهمیت به‌سزایی در جامعه روان‌شناسان به خود اختصاص داده است و افرادی همانند گیلفورد^۵، تورنس^۶ و ... به آن پرداخته‌اند و نظریه‌های متعددی را مطرح نموده‌اند و معتقدند که خلاقیت از ابعاد گوناگونی همچون ابتکار، سیالی، انعطاف‌پذیری و بسط برخوردار است (شریفی،

1- Roid
4- Eric

2- Brouca
5- Gilford

3- Gallgun
6- Tourance

۱۳۷۶).

نظریه‌های مختلفی پیرامون اثرات هوش بر میزان درک و فهم وجود دارد که معتقدند، هوش منجر به افزایش درک بیشتری از محیط شده و توانایی سازگاری با محیط را افزایش می‌دهد. این گروه از نظریه‌پردازان، معتقدند افراد باهوش، تفکر انتزاعی، یادگیری از تجربه، حل مسأله، سازگار شدن با موقعیت‌های جدید و تمرکز و تداوم در استفاده از توانایی‌ها برای رسیدن به هدف مطلوب را که منجر به درک و فهم بیشتری در فرد می‌شود، را از خود به نمایش می‌گذارند و مسائل و پدیده‌های محیطی را بهتر درک می‌کنند. در این زمینه مطرح می‌شود، افراد خلاق، درک و فهم بهتری را از امور نشان می‌دهند؛ زیرا قادر به درک مسائل از جنبه‌های گوناگون هستند و مطالب و مسائل مختلف را با استفاده از شیوه‌های گوناگون ادراک نموده و در نهایت به فهم مطلب یا مسئله مذکور دست می‌یابند (لین، ۱۹۸۹).

می‌توان میزان درک و فهم را وابسته به عوامل متعددی همچون هوش، خلاقیت و حتی ویژگی‌های شخصیتی دانست. فرد خلاق، که توانایی ابتکار و نوآوری فراوانی در وی مشاهده می‌شود و از سیالی و انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار است، به مراتب میزان درک و فهم متفاوتی را با یک فرد غیرخلاق به نمایش می‌گذارد و قادر است از زوایای گوناگون، محیط پیرامونش را بررسی نموده و به آن درک و فهم مورد نظر دست یابد، ولی فردی که خلاق نیست و توانایی تحقیق و بررسی مسائل را از زوایای گوناگون ندارد، شاید نتواند به آن درک و فهمی که مورد نظر است، دست یابد.

همین امر در زمینه ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و درک و فهم هم صدق می‌کند. افرادی که از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرا هستند، میزان درک و فهم و برداشت‌های آنها از مسائل مختلف، متفاوت تر از افرادی است که از ویژگی مذکور در حد پائین تری برخوردارند. از سویی دیگر، ویژگی‌های شخصیتی نیز به عنوان یکی از متغیرهایی محسوب می‌شود که تحقیقات فزاینده‌ای را به خود اختصاص داده و تأثیر آن بر متغیرها و سازه‌های گوناگونی مورد بررسی واقع شده است با توجه به اینکه درک و فهم از عوامل متعددی تأثیر می‌گیرد که در این تحقیق نیز به اثرات مفاهیم روان‌شناختی همچون هوش و خلاقیت بر درک و فهم پرداخته شده است، از سویی دیگر ویژگی‌های شخصیتی مورد بررسی واقع شده و به تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و عواملی همچون روان‌رنجندی، برون‌گرایی، دلپذیر بودن، انعطاف‌پذیری و با وجدان بودن بر میزان درک و

فهم دانشجویان از اشعار و ادبیات شهریار (ایران) و وهاب‌زاده (آذربایجان) پرداخته می‌شود. دانشگاه به‌عنوان سازمان و نهادی که مأموریت ویژه آن پرورش نیروهای متخصص، مؤمن و متعهد براساس موازین اجتماعی موجود است از یک سو دارای توانایی بالقوه‌ای بوده و از سوی دیگر ظرافت‌های ویژه‌ای را برای اشاره مفاهیم روان‌شناسی در راستای توسعه فطرت انسان دارا بوده و در دیگر مفاهیم روان‌شناختی، از آن به عنوان بستر مناسب در شناسایی سازه‌های روان‌شناختی استفاده می‌گردد. اهمیت تحقیق حاضر به بهره‌گیری از دانش نخبگان و اساتید دانشگاهی در رشته ادبیات معطوف بوده که در دراز مدت بازدهی مناسبی را در راستای بهره‌گیری فن‌آوری کلامی و ابزارهای کسب دانش در حیطه درک و فهم و سازه‌های مرتبط با آن ایجاد می‌نماید. تحقیق حاضر بدین منظور انجام می‌گیرد که روشن شود آیا میزان درک و فهم در دانشجویان ایران و آذربایجان در حیطه اشعار شهریار و وهاب‌زاده به یک میزان است یا خیر؟ و در واقع در این میان، به تأثیر سه متغیر هوش، خلاقیت و ویژگی‌های شخصیتی پرداخته و اثرات متغیرهای مذکور بر میزان درک و فهم مورد سنجش واقع می‌شود.

پژوهش‌های انجام شده در حیطه ویژگی‌های شخصیتی به وجود رابطه معنادار بین ویژگی‌های شخصیتی با میزان درک مطالب اشاره دارند. افرادی که از لحاظ ویژگی دلبذیر بودن و انعطاف‌پذیری بالاتری برخوردارند و ثبات شخصیتی بیشتری را نشان می‌دهند، توانایی درک آنها از مسائل و مطالب بیشتر است و فهم آنها از مطالب نیز بالاتر از افراد دیگر است (روف^۱، ۲۰۰۳).

پهلوان نژاد و نجفی (۱۳۸۷) به بررسی نقش فرایند واژگانی و تأثیر آن بر درک مفاهیم آموزشی در کودکان پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که در توزیع افعال (فرایندها در تعریف هلیدی) مندرج در کتاب‌های درسی مورد بررسی، معیارهای زبان‌شناختی و روان‌شناختی به شیوه‌ای دقیق و سازنده مدنظر نبوده است. پراکندگی نامتناسب و منظم نبودن فرایندها مؤید این مطلب است. به ویژه این که دو فرایند وجودی و رفتاری تقریباً در کتاب‌های درسی مورد تحلیل به کودکان معرفی نمی‌شوند. همچنین آنان بیان داشتند که ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان از قبیل هوش، استعدادهای کلامی از عوامل تسریع‌کننده درک مفاهیم آموزشی می‌باشد.

مطلب زاده و منوچهری (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی رابطه هوش چندگانه با مهارت خواندن و درک مطلب در آزمون بین‌المللی زبان انگلیسی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که تنها هوش منطقی ریاضی رابطه معناداری با مهارت خواندن و درک مطلب و هیچ‌یک از انواع دیگر هوش با

آن رابطه معنی داری ندارند.

طهماسبیان و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با میزان خلاقیت در دانشجویان پرداختند یافته‌های تحقیق نشان داد ارتباط معناداری بین ویژگی‌های شخصیتی با خلاقیت دیده می‌شود و از میان خرده مقیاس‌های صفات شخصیت، تنها خرده مقیاس‌های برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، با خلاقیت رابطه مثبت معناداری نشان دادند و بین خرده مقیاس‌های روان‌رنجوری، با وجدان بودن و دلپذیر بودن با خلاقیت، رابطه معناداری دیده نشد.

در تحقیق حاضر به بررسی اثرات خلاقیت، هوش و ویژگی‌های شخصیتی بر میزان درک و فهم جوانان ۱۷ تا ۱۸ ساله مجرد و مذکر در دو کشور ایران و آذربایجان نسبت به دو بیتی‌های شهریار و وهاب‌زاده پرداخته شده تا بدین وسیله بتوان به پیش‌بینی میزان درک و فهم جوانان از اشعار (دو بیتی‌های) شهریار و وهاب‌زاده از طریق سه متغیر خلاقیت، هوش و ویژگی‌های شخصیتی پرداخت. اجرای تحقیقاتی که پیرامون مباحث نظری صورت می‌گیرد و در حیطه‌های درک و فهم انجام می‌پذیرد، می‌تواند به کاهش کج‌فهمی‌های مرتبط معطوف بوده و مفاهیم نادرست از قبیل سن عقلی را از صحنه رشته علمی روان‌شناسی خارج نماید. امروزه مفاهیم همانند: سن عقلی عقل‌مندی، خردمندی، هوش‌مندی و درک و فهم به گونه‌ای یکسان عنوان می‌شود و اجرای این‌گونه تحقیقات می‌تواند مفهوم‌سازی کاملی را پیرامون عقل، ذهن، هوش، خردمندی، خرد و درک و فهم ایجاد نماید. بهره‌گیری از دیدگاه صاحبان اهل قلم و نخبگان حوزه علم در صحنه‌های دانشگاهی به عنوان گام اساسی و اولیه محسوب گردیده که پس از نظرسنجی از نخبگان، با نظر سنجی و فکرسنجی از دانشجویان، می‌توان به مقایسه دیدگاه دانشجویان پرداخت و بدین ترتیب مفاهیم علمی را از حیطه پژوهشی گذراند و آنها را در بستر پژوهشی قرار داد. اجرای این‌گونه تحقیقات، ضرورتی را فراهم می‌سازد تا از این طریق بتوان سرمشق مناسبی را برای توسعه دیگر رشته‌های علوم انسانی فراهم ساخت. از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر میزان درک و فهم می‌تواند، خلاقیت، هوش و ویژگی‌های شخصیتی باشد. در خصوص تأثیر خلاقیت، هوش و ویژگی‌های شخصیتی بر میزان درک و فهم پژوهش‌گر با پژوهش‌های فراوانی روبرو است اما چون به طور قطع نمی‌توان ادعا نمود که میزان درک و فهم افراد می‌تواند تحت تأثیر خلاقیت، هوش و ویژگی‌های شخصیتی قرار گیرد. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ برای این پرسش است که آیا خلاقیت، هوش و ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند بر میزان درک و فهم جوانان ۱۷ تا ۱۸ ساله کشور ایران و آذربایجان نسبت به دو بیتی‌های شهریار و وهاب‌زاده است

تأثیر بگذارد؟

سؤالات تحقیق

هدف پژوهش شناسایی و مقایسه تأثیر خلاقیت، هوش و ویژگی های شخصیتی بر میزان درک و فهم جوانان ۱۷ تا ۱۸ ساله کشور ایران و آذربایجان نسبت به دو بیتی های شهریار و وهابزاده است. بنابراین سؤال اصلی تحقیق عبارتند از :

۱- آیا هوش، خلاقیت و ویژگی های شخصیتی، می توانند میزان درک و فهم را افزایش دهند؟

همچنین سؤالات فرعی تحقیق نیز عبارتند از :

۱- آیا خلاقیت بر میزان درک و فهم جوانان از اشعار شهریار و وهابزاده مؤثر است؟

۲- آیا هوش بر میزان درک و فهم جوانان از اشعار شهریار و وهابزاده مؤثر است؟

۳- آیا ویژگی های شخصیتی بر میزان درک و فهم جوانان از اشعار شهریار و وهابزاده مؤثر است؟

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع روش های تحقیق توصیفی - پیمایشی (زمینه یابی) است. با توجه به اینکه هدف پژوهش شناسایی و مقایسه تأثیر خلاقیت، هوش و ویژگی های شخصیتی بر میزان درک و فهم جوانان ۱۷ تا ۱۸ ساله کشور ایران و آذربایجان نسبت به دو بیتی های شهریار و وهابزاده است بود، محقق نیز برای بررسی توصیف ویژگی های یک جامعه آماری، روش تحقیق توصیفی - پیمایشی را به کار می برد. با توجه به موضوع تحقیق حاضر که به بررسی تأثیر خلاقیت، هوش و شخصیت بر میزان درک و فهم اشعار شهریار (ایران) و وهابزاده (آذربایجان) می پردازد، مطرح می شود پژوهش حاضر در حیطه تحقیقات کاربردی قرار می گیرد. بنابراین، با توجه به اینکه در تحقیقات توصیفی، حیطه های نظرسنجی و نگرش سنجی نیز مدنظر قرار می گیرد و پژوهش گران به منظور نظرسنجی از نمونه های تحقیق، از مفروضات تحقیق توصیفی استفاده می نمایند، در تحقیق فوق نیز از طرح تحقیق زمینه یابی به عنوان مناسب ترین طرح تحقیق فوق استفاده به عمل آمده و به نظرسنجی از جوانان ۱۷ تا ۱۸ ساله مجرد و مذکر در ایران و آذربایجان پرداخته می شود.

جامعه آماری، نمونه و روش انتخاب نمونه

جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی جوانان ۱۷ تا ۱۸ ساله مجرد و مذکر ایران و آذربایجان در بر می‌گیرند. از آنجایی که دسترسی به تمامی اعضاء جامعه امکان‌پذیر نبوده و تهیه فهرستی از افراد جامعه مقدور نمی‌باشد و این وضعیت نیز در زمینه جامعه آماری جوانان آذربایجان نیز مصداق می‌کند، می‌توان مطرح نمود که جامعه تحقیق حاضر در حیطه جوامع نامحدود جای می‌گیرد. با توجه به اینکه در تحقیق حاضر از دو گروه کاملاً مستقل (جوانان ۱۷ تا ۱۸ ساله مجرد و مذکر ایران و آذربایجان)، نظرسنجی به عمل آمده است، بنابراین با دو جامعه متفاوت سروکار داشته که در حیطه جوامع نامحدود جای دارند. بنابراین، با مد نظر قرار دادن جامعه آماری نامحدود و پیروی از مفروضه تحقیقات توصیفی که ۱۲۰ نفر می‌باشد، در این تحقیق، تعداد ۱۲۰ نفر از جوانان ایران و ۱۲۰ نفر از جوانان آذربایجان که همگی در دامنه سنی ۱۷ تا ۱۸ سال واقع شده و مجرد و مذکر می‌باشند، به عنوان حجم نمونه تحقیق انتخاب شدند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی در دسترس برای انتخاب آزمودنی‌های استفاده شده است. به طوری که پرسش‌نامه طراحی شده در اختیار جوانان ۱۷ تا ۱۸ ساله مجرد و مذکر ایران و آذربایجان که در دسترس پژوهشگر بودند توزیع و جمع‌آوری گردید.

ابزار پژوهش

به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق علاوه بر مطالعات اسنادی از پرسش‌نامه استاندارد خلاقیت تورنس، آزمون هوش استاندارد استنفورد بینه، پرسش‌نامه شخصیتی ۵ عاملی NEO و دو بیتی‌های منظوم استفاده گردید. از آنجا که برای گردآوری اطلاعات از ابزاری چون پرسش‌نامه و مطالعات اسنادی استفاده می‌شود بنابراین روش گردآوری اطلاعات از نوع میدانی- کتابخانه‌ای می‌باشد.

در این تحقیق، از چهار ابزار متفاوت جهت جمع‌آوری داده‌های تجربی استفاده به عمل آمده که به ترتیب عبارتند از: آزمون خلاقیت تورنس، آزمون هوش استنفورد-بینه، پرسش‌نامه شخصیتی پنج عاملی NEO و دو بیتی‌های منظوم؛ که به ذکر ویژگی‌های روان‌سنجی آنها پرداخته می‌شود:

آزمون خلاقیت تورنس:

آزمون خلاقیت عابدی در بهار سال ۱۳۷۹ روی یک گروه ۶۵۰ نفری از دانش آموزان کلاس سوم راهنمایی در تهران اجرا شد، سپس به منظور تعیین روایی هم زمان از پرسش نامه خلاقیت تورنس استفاده شده و بر روی ۲۰۰ نفر از دانش آموزان اجرا شد. ضریب پایایی بخش های سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط که از طریق بازآزمایی به دست آمد به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۸۴، ۰/۸۰ بود. ضریب همبستگی بین نمره کل آزمون تورنس و نمره کل آزمون جمال عابدی (آزمون سنجش خلاقیت) معادل ۰/۶۴ به دست آمد.

در ابتدا پایایی آزمون سنجش خلاقیت بررسی شد. برای این کار از روش ضریب همسانی درونی، آلفای کرونباخ^۱ استفاده شد. این ضریب برای بخش های سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۷، ۰/۶۱، ۰/۶۱ بود. بعد با استفاده از روش مؤلفه های اصلی^۲، میزان هماهنگی مواد آزمون در هر بخش محاسبه شد. مواد آزمون، در هر چهار بخش همبستگی نسبتاً بالایی (بین ۰/۵۵ تا ۰/۸۵) با نخستین متغیر نهفته داشت. در هر یک از این بخش ها، عامل یا متغیر نهفته اول بین ۵۰ درصد تا ۶۰ درصد از واریانس کل سؤال ها را تبیین می کرد که این نشانگر هماهنگی درونی و روایی سازه مواد آزمون است.

برای بررسی روایی^۳ آزمون سنجش خلاقیت، دو روش کاملاً متفاوت به کار رفت. در ابتدا از روش کلاسیک همبستگی گشتاوری بین این آزمون و آزمون های ملاک استفاده شده و بعد روش نسبتاً جدید تحلیل عوامل تأییدی به کار گرفته شد.

بین نمره های بخش های چهارگانه آزمون سنجش خلاقیت، نمره های بخش های چهارگانه آزمون تورنس، نمره های بخش های چهارگانه آزمون دانشگاه دوستو، نمره های آموزگاران و نمره های درس ضریب همبستگی گشتاوری محاسبه شد. ضرایب همبستگی بین نمره های چهارگانه آزمون سنجش خلاقیت و نمره های درس همگی در حد ۱٪ از نظر آماری معنادار بود و بین حداکثر ۰/۲۱۵ (بین نمره ریاضیات و نمره بخش ابتکار) و حداقل ۰/۵۴ (بین نمره ریاضی و نمره انعطاف پذیری) در نوسان بود. ضرایب همبستگی بین نمره های بخش های آزمون جدید خلاقیت و نمره های بخش های آزمون های دیگر خلاقیت که در این پژوهش به کار رفته در حد ۱٪ آماری معناداری بود. این ضرایب همبستگی بین ۰/۵۴۹ (همبستگی بخش های سیالی آزمون سنجش

1- Cronbach Alpha

2- Principle Components Method

3- Validity

خلاقیات و بخش سیالی آزمون دانشگاه دوستو) تا ۰/۱۹۹ (همبستگی بخش‌های بین بخش انعطاف پذیری آزمون دانشگاه دوستو و بخش ابتکار آزمون سنجش خلاقیات) در نوسان بود. یافته‌های این پژوهش به روشنی اعتبار آزمون جدید سنجش خلاقیات را نشان می‌دهد.

آزمون هوش استانفورد-بینه:

این آزمون در ایران توسط کامکاری (۱۳۸۶) مورد رواسازی، اعتباربخشی و هنجاریابی قرار گرفته است. مقیاس هوشی فوق، شامل پنج عامل: استدلال سیال، دانش، استدلال کمی‌نگر، پردازش تجسمی-دیداری و حافظه فعال می‌باشد و علاوه بر محاسبه پنج هوش‌بهر مربوط به پنج عامل مذکور، به محاسبه هوش بهر کلامی، غیر کلامی (عملی) و کل نیز می‌پردازد.

در نسخه پنجم مقیاس استانفورد-بینه، اعتبار با تأکید به تجانس درونی در زمینه هوش بهر کل از ۰/۹۶ تا ۰/۹۹ و برای هر شاخص پنج گانه از ۰/۸۹ تا ۰/۹۰ و برای هر ده خرده‌آزمون از ۰/۸۳ تا ۰/۸۷ متغیر است. به علاوه مطالعات اعتبار بین آزمون‌گران و آزمون-باز آزمون معرف تجانس و ثبات این آزمون است، زیرا تمامی مقادیر بالاتر از ۰/۷۷ می‌باشند. به عبارتی دیگر، در حیطه اعتبار نسخه پنجم مقیاس استانفورد-بینه، با استفاده از روش دو نیمه کردن و تصحیح با فرمول اسپیرمن-براون، ضریب اعتبار برای نمرات مقیاس کل ۰/۹۸، غیر کلامی ۰/۹۴ و کلامی ۰/۹۸ و مجموعه آزمون‌های خلاصه شده ۰/۸۹ است که این موارد، همه نشان‌دهنده ثبات مطلوب می‌باشد. موارد بالاتر از ۰/۹۰ در حیطه اعتبار معرف ویژگی مطلوب روان‌سنجی در حیطه تجانس درونی آزمون فوق است (کرنی^۱ و همکاران، ۲۰۰۴).

در راستای محاسبه ضریب اعتبار نسخه پنجم مقیاس هوشی استانفورد-بینه، نمرات ده خرده‌آزمون، چهار حیطه هوش بهر و پنج شاخص عامل، از روش دو نیمه کردن استفاده شده و ضرایب به دست آمده توسط فرمول اسپیرمن براون مورد اصلاح قرار گرفتند. تمامی ضرایب اعتبار، در دامنه سنی ۸-۲ سال بالاتر از ۰/۷۳ بوده است که این ارقام، معرف تجانس درونی مقیاس فوق می‌باشند.

در زمینه روایی مقیاس هوشی استانفورد-بینه، می‌توان بیان کرد که مقیاس فوق در سه حیطه روایی محتوایی، روایی ملاک و روایی سازه جای دارد. بدین ترتیب که در زمینه روایی محتوایی مقیاس هوشی فوق، به قضاوت حرفه‌ای، هم‌گرایی سازه‌های اصلی و تحلیل تجربی سؤالات پرداخته می‌شود. در حیطه قضاوت حرفه‌ای متخصصین، می‌توان با مطالعات مطلوبیت سؤال

مباحثی را عنوان نمود که همه از طریق برپایی سمینارها و نشست های علمی به دست می آید. هم گرای سازه های اصلی نیز توسط متخصصین در مراحل گوناگون تدوین آزمون فوق مورد بررسی گرفته و به راحتی می توان گفت که آزمون فوق، بر اساس نظریه کارول، کتل و هورن طراحی شده است و دارای روایی محتوایی است (بادلی^۱، ۱۹۹۲).

پرسش نامه شخصیتی پنج عاملی NEO:

پرسش نامه شخصیتی پنج عاملی NEO-۲۴۰ که شامل ۵ عامل روان نژندی، برون گرایی، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن و با وجدان بودن می باشد، به صورت طیف لیکرت نمره گذاری شده و از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف را در برمی گیرد. فرم اولیه این پرسش نامه، توسط پائول دی کاستا^۲ و روبرت آرمک کری^۳ در سال ۱۹۸۵ با استفاده از رویکردهای نوین شخصیت و دیدگاه آیزنک^۴ طراحی گردید. از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۲، این پژوهش گران به دنبال این بودند تا با استفاده از رویکرد تحلیل عامل اکتشافی و پس از آن تحلیل عامل تأییدی بتوانند فرم نهایی پرسش نامه پنج عاملی شخصیت را رواسازی، اعتباربخشی و هنجاریابی کنند. در سال ۱۹۹۲ که فرم نهایی پرسش نامه پنج عاملی عرضه گردید، ارقام و داده های تجربی معرف روایی و اعتبار مقبول این آزمون بوده که بستر مناسبی را برای توسعه آزمون پنج عاملی فراهم ساخت.

در زمینه روایی سازه این پرسش نامه، تحقیقات فراوانی صورت گرفته است در ایران می توان به پایان نامه دکترای تخصصی گروسی فرشی (۱۳۸۰) اشاره نمود که جامعه آماری او بیش از ۱۵۰۰ دانشجو را در برمی گرفت. وی با استفاده از روش تحلیل عامل تأییدی و بهره گیری از شیوه چرخش واریماکس دریافت که هر پنج عامل، مقادیر ویژه بالاتر از یک را نشان می دهند و در مجموع ۰/۶۰ ویژگی های شخصیتی را تبیین می کند.

علاوه بر روایی سازه، می توان به روایی محتوایی این آزمون اشاره کرد که در مجموع صفت را به عنوان پنج عامل عمده اندازه گیری می کند. برای هر عامل، شش شاخص طراحی شده است که برای هر شاخص نیز هشت گویه یا معرفه در نظر گرفته می شود. بنابراین آزمون فوق برای هر شاخص، هشت سؤال و برای هر عامل، چهار و هشت سؤال را در برمی گیرد. مجموع سؤالات به گونه منظم دارای دویست و چهار سؤال است که می تواند پنج صفت و سی شاخص را از طریق دویست و چهار گویه یا سؤال اندازه گیری کند که فرم کوتاه آن که شامل ۶۰ سؤال می باشد، و توسط نفیسی در دانشگاه آزاد مورد هنجاریابی قرار گرفته، در این تحقیق استفاده شده است.

1- Baddeley
4- Iseng

2- Paul de casta

3- Mac Creay

ضرایب اعتبار آزمون در هر پنج صفت و همچنین در کل، هماهنگی بالاتر از $0/73$ است و این وضعیت نشان‌دهنده ضرایب اعتبار مطلوب آزمون پنج عاملی است (قهرمانی، ۱۳۸۱). در ایران، ضرایب اعتبار به دست آمده بر روی کارکنان ایران خودرو بالاتر از $0/80$ بوده (قهرمانی، ۱۳۸۱) و این روند در جامعه دانشجویان نیز بالاتر از $0/75$ است. به صورت کلی می‌توان ضرایب اعتبار این آزمون را بر روی محور روان‌نژندی رقم ($0/83$)، برون‌گرایی ($0/75$)، انعطاف‌پذیری ($0/80$)، توافق‌پذیری ($0/79$) و با وجدان بودن ($0/79$) تعریف کرد.

دویبتهای منظوم:

به منظور بررسی میزان درک و فهم جوانان از دو بیت‌های شهریار (ایران) و وهاب‌زاده (آذربایجان)، بیست دویبتهی از اشعار شهریار و بیست دویبتهی از اشعار وهاب‌زاده، با نظارت خبرگان ادبیات فارسی و ادبیات آذربایجان که از لحاظ محتوایی (تا حد امکان) یکسان می‌باشند، استفاده به عمل آمده است. لازم به ذکر است که نحوه بارم‌بندی دویبتهای بدین ترتیب است که هر دو بیت، ده بارم را به خود اختصاص می‌دهد که در مجموع، هر فرد می‌تواند نمره‌ای در دامنه ۰ تا ۲۰۰ را به دست بیاورد. ضروری است مطرح شود که نحوه بارم‌بندی دویبتهای توسط خبرگان ادبیات فارسی و ادبیات آذربایجان صورت می‌گیرد. علاوه بر آن، در راستای افزایش اعتبار درونی ابزار فوق، مصاحبه‌ای عمیق با خبرگان ادبیات فارسی و ادبیات آذربایجان در حیطه تفسیر، مفهوم و بارم‌بندی دویبتهای، پرداخته شده است و در نهایت، با توجه به سطح تحلیلی که از سطوح پیشرفته تحقیقات توصیفی می‌باشد، به مقایسه میزان درک و فهم جوانان ۱۷ تا ۱۸ ساله مجرد و مذکر در ایران و آذربایجان پرداخته شده است تا از این طریق بتوان داده‌های ارزشیابی را غنی‌تر کرده و بتوان تحلیل‌های کامل‌تری را ارائه نمود.

با توجه به سطح اندازه‌گیری داده‌های تجربی که همگی کمی و پیوسته بوده و در سطح اندازه‌گیری فاصله‌ای مطرح می‌شوند، از آزمون‌های آمار پارامتریک استفاده شده است. بدین ترتیب که پس از محاسبه شاخص‌های آمار توصیفی از مدل آماری رگرسیون چندمتغیری با روش ورود هم زمان، استفاده به عمل آمده است. بدین ترتیب که با استفاده از متغیرهای مستقل خلاقیت، هوش و ویژگی‌های شخصیتی (به‌عنوان متغیرهای پیش‌بینی کننده) به پیش‌بینی متغیر وابسته درک و فهم (به‌عنوان متغیر پیش‌بینی شونده) پرداخته شده

یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۱: شاخص‌های آماری هوش، ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت و درک و فهم

متغیر	شاخص‌های گرایش مرکزی			شاخص‌های پراکنندگی			شاخص‌های توزیع			سطوح
	نما	میانه	میانگین	دامنه تغییرات	واریانس	انحراف معیار	خطای معیار	ضریب کجی	ضریب کشیدگی	
استدلال سیال	ایران	۱۲۴	۱۲۱/۱۵	۴۱	۱۰۳/۴۳	۱۰/۱۷	۰/۹۲	-۰/۸۹	-۰/۱۸	
	آذربایجان	۱۳۲	۱۲۱	۵۹	۱۴۶/۱۰	۱۲/۰۸	۱/۱۰	-۰/۲۰	-۰/۳۲	
دانش	ایران	۱۳۲	۱۱۳/۵۳	۷۲	۳۷۹/۰۷	۱۹/۴۶	۱/۷۷	-۰/۸۷	-۰/۴۲	
	آذربایجان	۱۱۱	۱۱۲/۵۰	۴۵	۵۷/۴۱	۷/۵۷	۰/۶۹	-۰/۳۲	۰/۴۱	
استدلال کمی	ایران	۱۰۳	۱۰۸/۹۲	۶۰	۱۸۳/۱۴	۱۳/۵۳	۱/۲۳	-۰/۱۵	-۰/۶۲	
	آذربایجان	۱۱۹	۱۱۱/۴۳	۷۱	۹۲/۲۵	۱۱/۲۲	۱/۰۲	-۰/۹۳	۰/۳۷	
پردازش دیداری-فضایی	ایران	۱۰۰	۱۱۵/۸۱	۶۴	۱۹۷/۲۰	۱۴/۰۴	۱/۲۸	-۰/۴۵	-۰/۵۷	
	آذربایجان	۱۱۷	۱۱۶/۱۵	۴۶	۱۱۳/۱۰	۱۰/۶۳	۰/۹۷	-۰/۶۶	-۰/۴۸	
حافظه فعال	ایران	۱۰۶	۱۰۷/۶۳	۶۴	۲۲۰/۱۱	۱۴/۸۳	۱/۳۵	-۰/۳۸	-۰/۴۱	
	آذربایجان	۱۰۶	۱۰۸/۴۵	۶۴	۹۱/۹۶	۹/۵۸	۰/۸۷	۰/۱۵	۰/۷۲	
کلامی	ایران	۱۲۵	۱۱۵/۹۳	۵۸	۱۳۹/۹۶	۱۱/۸۳	۱/۰۷	-۰/۹۵	۰/۶۱	
	آذربایجان	۱۰۲	۱۱۶/۱۶	۳۷	۹۱/۲۴	۹/۵۵	۰/۸۷	-۰/۳۸	-۰/۰۲	
غیر کلامی	ایران	۱۳۲	۱۱۰/۴۲	۶۵	۳۴۷/۴۵	۱۸/۶۴	۱/۷۰	-۰/۳۱	-۰/۳۵	
	آذربایجان	۱۱۵	۱۱۱/۱۸	۶۲	۱۱۴/۰۵	۱۰/۶۷	۰/۹۷	-۰/۲۳	۰/۰۵	
هوش بهر روان‌نژندی	ایران	۱۳۲	۱۱۴/۹۸	۶۸	۳۰۱/۲۲	۱۷/۳۵	۱/۵۸	-۰/۷۹	-۰/۴۵	
	آذربایجان	۱۱۴	۱۱۵/۳۱	۵۶	۷۵/۴۷	۸/۶۸	۰/۷۹	-۰/۹۱	۰/۸۸	
برون‌گرایی	ایران	۹۹	۱۰۰/۵۰	۵۴	۱۳۸/۱۲	۱۱/۷۵	۱/۰۷	۰/۴۲	۰/۱۶	
	آذربایجان	۹۹	۹۸/۷۳	۵۴	۱۳۲/۳۸	۱۱/۵۰	۱/۰۵	۰/۵۹	۰/۵۴	
انعطاف‌پذیری	ایران	۱۰۳	۱۰۲/۹۱	۵۳	۷۵/۶۲	۸/۶۹	۰/۷۹	۰/۸۸	۰/۶۲	
	آذربایجان	۱۰۳	۱۰۳/۴۰	۵۳	۷۲/۵۱	۸/۵۱	۰/۷۷	۰/۸۶	۰/۷۷	
دلپذیر بودن	ایران	۱۰۱	۱۰۴/۳۰	۵۹	۱۰۵/۰۵	۱۰/۲۴	۰/۹۳	۰/۳۷	۰/۳۲	
	آذربایجان	۱۰۱	۱۱۳/۰۶	۶۳	۱۸۰/۳۳	۱۳/۴۲	۱/۲۲	-۰/۰۱	-۰/۷۷	
	ایران	۱۰۴	۱۰۴/۹۸	۵۰	۵۷/۶۱	۷/۵۹	۰/۶۹	-۰/۱۰	۰/۳۸	

۰/۳۸	-۰/۷۵	۰/۶۶	۷/۳۲	۵۳/۶۱	۴۳	۱۰۳/۳۸	۱۰۴	۱۰۴	آذربایجان
۰/۸۱	۰/۸۴	۰/۷۷	۸/۴۸	۷۱/۹۳	۵۲	۱۰۵/۴۰	۱۰۴	۱۰۱	ایران
۰/۴۳	۰/۸۴	۰/۷۴	۸/۱۵	۶۶/۴۶	۵۲	۱۰۴/۳۵	۱۰۴	۱۰۱	آذربایجان
۰/۲۰	-۰/۳۰	۱/۴۹	۱۶/۴۲	۲۶۹/۷۷	۱۴۶	۱۳۱/۷۶	۱۳۲/۵۰	۱۲۰	ایران
-۰/۷۳	-۰/۳۸	۱/۳۵	۱۴/۸۳	۲۲۰/۱۸	۶۶	۱۴۲/۷۱	۱۴۵	۱۶۰	آذربایجان
-۰/۳۳	-۰/۳۷	۰/۲۷	۳/۰۶	۹/۴۰	۱۴	۱۵/۹۰	۱۵/۵۰	۱۵	ایران
۰/۲۴	-۰/۸۴	۰/۲۲	۲/۵۰	۶/۲۹	۱۰	۱۷/۲۰	۱۸	۲۰	آذربایجان

جدول شماره ۲: بررسی پیش‌بینی میزان «درک و فهم» از طریق عوامل پنج‌گانه هوش (استدلال سیال، دانش، استدلال کمی، پردازش دیداری-فضایی و حافظه فعال)

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان	سطح معناداری
رگرسیون	۱۰۸/۵۲	۵	۲۱/۷۰	۲/۲	۰/۰۲۰
باقیمانده	۱۸۶۰/۸۷	۲۳۴	۷/۹۵		

با تأکید بر میزان F به دست آمده (۲/۷۲)، که در سطح $\alpha=۰/۰۱$ معنادار است، می‌توان مطرح نمود که توان پیش‌بینی «درک و فهم» از طریق عوامل پنج‌گانه هوش (استدلال سیال، دانش، استدلال کمی، پردازش دیداری-فضایی و حافظه فعال) وجود دارد. از این‌رو، جدول ضرایب رگرسیون عنوان می‌گردد.

جدول شماره ۳: ضرایب رگرسیون مرتبط با جدول شماره ۲

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معناداری
	استدلال سیال	۰/۰۳	۰/۱۲	۱/۹۳	۰/۰۵۵
	دانش	۰/۰۳	۰/۲۰	۲/۲	۰/۰۵۵
درک و فهم	استدلال کمی	-۰/۰۱	-۰/۰۷	-۰/۶	۰/۳۳۷
	پردازش دیداری-فضایی	-۰/۰۲	-۰/۰۹	-۱/۲	۰/۱۲۹
	حافظه فعال	-۰/۰۱	-۰/۰۳	-۰/۵	۰/۶۵۲

با توجه به ضرایب حاصله مطرح می‌شود، ارتباط مثبت معنی‌داری بین «استدلال سیال» و «دانش» با

«درک و فهم»، وجود دارد و با افزایش «استدلال سیال» و «دانش»، میزان «درک و فهم» از اشعار شهریار و وهابزاده افزایش می‌یابد؛ با کاهش آن، میزان «درک و فهم» از اشعار شهریار و وهابزاده نیز کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۴: بررسی پیش‌بینی میزان «درک و فهم» از طریق حیطه‌های هوش (کلامی و غیر کلامی)

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معناداری
رگرسیون	۳/۴۴	۲	۱/۷۲	۰/۲۰	۰/۸۱۳
باقیمانده	۱۹۶۵/۹۵	۲۳۷	۸/۲۹		

با تأکید بر میزان رقم F به دست آمده (۰/۲۰)، که در سطح $\alpha=۰/۰۵$ معنادار نیست، می‌توان مطرح نمود که توان پیش‌بینی «درک و فهم» از طریق «حیطه‌های هوش (کلامی و غیر کلامی)» وجود ندارد.

جدول شماره ۵: بررسی پیش‌بینی میزان «درک و فهم» از طریق «هوش بهر»

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معناداری
رگرسیون	۰/۶۲	۱	۰/۶۲	۰/۷	۰/۷۸۴
باقیمانده	۱۹۶۸/۷۷	۲۳۸	۸/۲۷		

با تأکید بر میزان رقم F به دست آمده (۰/۰۷)، که در سطح $\alpha=۰/۰۵$ معنی دار نیست، می‌توان مطرح نمود که توان پیش‌بینی «درک و فهم» از طریق «هوش بهر» وجود ندارد.

جدول شماره ۶: بررسی پیش‌بینی میزان «درک و فهم» از طریق ویژگی‌های شخصیتی (روان‌نژندی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، دلپذیر بودن و باوجدان بودن)

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۷۳/۷۲	۵	۳۴/۷۴	۴/۲	۰/۰۰۱
باقیمانده	۱۷۹۵/۶۷	۲۳۴	۷/۶۷		

با تأکید بر میزان رقم F به دست آمده (۴/۵۲)، که در سطح $\alpha=0/01$ معنی دار است، می‌توان مطرح نمود که توان پیش‌بینی «درک و فهم» از طریق ویژگی‌های شخصیتی (روان‌نژندی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، دلبذیر بودن و باوجدان بودن) وجود دارد. از این‌رو، جدول ضرایب رگرسیون عنوان می‌گردد.

جدول شماره ۷: ضرایب رگرسیون مرتبط با جدول شماره ۶

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معناداری
	روان‌نژندی	-۰/۰۲	-۰/۰۸	-۱/۱۳	۰/۲۵۹
	برون‌گرایی	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۲۶	۰/۷۹۳
درک و فهم	انعطاف‌پذیری	۰/۰۶	۰/۲۹	۴/۲۳	۰/۰۰۱
	دلبذیر بودن	-۰/۰۳	-۰/۱۰	-۱/۳۴	۰/۱۷۹
	باوجدان بودن	-۰/۰۱	-۰/۰۵	-۰/۶۷	۰/۵۰۰

با توجه به ضرایب حاصله مطرح می‌شود که ارتباط مثبت معنی‌داری بین «انعطاف‌پذیری» با «درک و فهم»، وجود دارد. با افزایش ویژگی شخصیتی «انعطاف‌پذیری»، میزان «درک و فهم» از اشعار شهریار و وهاب‌زاده افزایش می‌یابد و با کاهش آن، میزان «درک و فهم» از اشعار شهریار و وهاب‌زاده نیز کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۸: بررسی پیش‌بینی میزان «درک و فهم» از طریق «خلاقیت»

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۱۱۱۱/۶۶	۱	۱۱۱۱/۶۶	۳۰۸/۴۵	۰/۰۰۱
باقیمانده	۸۵۷/۷۳	۲۳۸	۳/۶۰		

با تأکید بر میزان رقم F به دست آمده (۳۰۸/۴۵)، که در سطح $\alpha=0/01$ معنی دار است، می‌توان

مطرح نمود که توان پیش‌بینی «درک و فهم» از طریق «خلاقیت» وجود دارد. از این‌رو، جدول ضرایب رگرسیون عنوان می‌گردد.

جدول شماره ۹: ضرایب رگرسیون مرتبط با جدول شماره ۸

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معناداری
درک و فهم	خلاقیت	۰/۱۳	۰/۷۵	۱۷/۶	۰/۰۰۱

با توجه به ضرایب حاصله می‌توان مطرح نمود که ارتباط مثبت معنی‌داری بین «خلاقیت» با «درک و فهم»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش «خلاقیت»، میزان «درک و فهم» از اشعار شهریار و وهاب‌زاده افزایش می‌یابد و با کاهش آن، میزان «درک و فهم» از اشعار شهریار و وهاب‌زاده نیز کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

اولین یافته پژوهش حاضر آن است که ارتباط مثبت معناداری بین «خلاقیت» با «درک و فهم» وجود دارد. با توجه به کوچکتر بودن سطح معناداری آزمون از $\alpha=0/05$ می‌توان بیان کرد آزمون معنادار است یعنی می‌توان مطرح نمود که توان پیش‌بینی «درک و فهم» از طریق «خلاقیت» وجود دارد. بدین ترتیب که با افزایش «خلاقیت»، میزان «درک و فهم» از اشعار شهریار و وهاب‌زاده افزایش می‌یابد و با کاهش آن، میزان «درک و فهم» از اشعار شهریار و وهاب‌زاده نیز کاهش می‌یابد، که این یافته پژوهش با یافته تحقیق طهماسبیان و همکاران (۱۳۸۹) هم‌سو می‌باشد.

هر چند علم، توسعه و پیشرفت نیاز اولیه بشر امروزی است، ولی باید دانست که علم به خودی خود، ضامن حل بسیاری از مسائل و مشکلات آینده‌ای که ما با آنها مواجه خواهیم شد نیست، تنها نیروی فوق‌العاده و قدرتمند خلاقیت است که می‌تواند مسائل و مشکلات را به طرز خارق‌العاده‌ای از سر راه بشر بردارد. امروزه نشان داده شده است که برخلاف باور بسیاری که ابداع و خلاقیت را خصوصیت ذاتی بعضی افراد می‌دانند، این استعداد در نوع بشر به اندازه حافظه عمومیت دارد و می‌توان آن را با کاربرد اصول و فنون معین و ایجاد طرز تفکرهای جدید و ایجاد محیطی مناسب پرورش داد. در چند دهه اخیر پژوهش‌های بسیاری در زمینه خلاقیت انجام شده است.

پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش خلاقیت، عموماً به این نتیجه رسیده است که خلاقیت را هم می‌توان آموزش و هم پرورش داد. روشن است که هر کسی ممکن است در زمینه‌ای خاص خلاقیت داشته باشد. از هر کسی در هر زمینه نمی‌توان انتظار خلاقیت و ابتکار داشت. باید این بسترها و علایق و زمینه‌ها را شناسایی کرده و زمینه رشد آنها را فراهم نمود.

دومین یافته تحقیق آن بود که ارتباط مثبت معناداری به میزان $0/12$ و $0/20$ بین عوامل «استدلال سیال» و «دانش» با «درک و فهم»، مشاهده می‌شود چرا که سطح معناداری آزمون در دو عامل یاد شده از $\alpha=0/05$ کوچکتر می‌باشد. بدین ترتیب که با افزایش «استدلال سیال» و «دانش»، میزان «درک و فهم» از اشعار شهریار و وهاب‌زاده افزایش می‌یابد و با کاهش آن، میزان «درک و فهم» از اشعار شهریار و وهاب‌زاده نیز کاهش می‌یابد این یافته تحقیق با نتیجه تحقیق مطلب زاده و منوچهری (۱۳۸۸) هم سویی دارد.

روانشناسان اعتقاد دارند که درک هر انسان، از هوش و میزان به کارگیری آن سرچشمه می‌گیرد. آنها معتقدند که درک صحیح پدیده‌ها و وقایع به واسطه هوش صورت می‌گیرد. از این‌رو، هوش را یک استعداد فکری می‌دانند که تغییر یا فقدان آن برای زندگی عملی، اهمیت بسزایی دارد. از سویی دیگر، دیوید و کسلر نیز که یکی از نظریه پردازان هوش و سازنده مقیاس هوش و کسلر می‌باشد، نیز معتقد است برای اینکه یک فرد بتواند به طور منطقی بیاندیشد و به طور مؤثری با محیط خود، ارتباط برقرار کرده و سازگاری نشان دهد، باید از هوش برخوردار باشد، چرا که هوش، توانایی کلی و جامع فرد برای هدفمند عمل نمودن است.

سومین یافته تحقیق نشان داد که ارتباط مثبت معنی‌داری به میزان $0/29$ بین ویژگی شخصیتی «انعطاف‌پذیری» با «درک و فهم»، وجود دارد. می‌شود چرا که سطح معناداری آزمون در عامل یاد شده از $\alpha=0/05$ کوچکتر می‌باشد بدین ترتیب که با افزایش ویژگی شخصیتی «انعطاف‌پذیری»، میزان «درک و فهم» از اشعار شهریار و وهاب‌زاده نیز افزایش می‌یابد و با کاهش آن، میزان «درک و فهم» از اشعار شهریار و وهاب‌زاده نیز کاهش می‌یابد این یافته تحقیق با نتیجه تحقیق طهماسبیان و همکاران (۱۳۸۹) و پهلوان نژاد و همکاران (۱۳۸۷) هم سویی دارد.

میزان درک و فهم خواندن به میزان پی بردن به نکات اصلی متن اشاره دارد. تمامی صاحب نظران و به‌خصوص ادبا و اهل نظر همانند میسائیل پرسلی والن گانیه، معتقدند که میزان درک و فهم از یک متن (نظم یا نثر)، فرایندی است که در برگیرنده عوامل متعددی همچون یافتن معنی، درک و فهم تحت‌اللفظی لفظ به لفظ یا کلمه به کلمه، درک و فهم استنباطی و نظارت بر درک و

فهم می‌باشد. لازم به ذکر است که موارد مذکور با استفاده از کلمه نوشتاری برای فعال کردن معنی کلمه در حافظه تبلور می‌یابد، به عبارتی دیگر مطابقت کردن‌های دریافت معنی کلمه نوشتاری، غیرمستقیم است. در این میان، درک و فهم تحت‌اللفظی نیز نیازمند توضیح و ارایه معنی کلمه فعال شده در شکل گزاره است.

درک و فهم استنباطی، فراسوی ایده‌ای است که به طور روشن برای خلاصه کردن و یا تشریح ایده‌ها بیان شده است. درک و فهم، متضمن داشتن هدف خواندن، رسیدن به هدف و اجرای استراتژی‌های اصلاحی در صورت عدم تحقق هدف است. بنابراین، می‌توان عنوان نمود که درک و فهم، فرایند شناختی پیچیده‌ای است که از طریق آن می‌توان به فراسوی معانی ظاهری و صوری متن دست یافت و توسط آن به توضیح و تفسیر متن مورد نظر، که این متن می‌تواند نظم یا نثر باشد، پرداخت.

با توجه به اینکه درک و فهم یک فرایند پیچیده ذهنی بوده و عوامل متعددی همچون هوش و خلاقیت در آن دخیل‌اند، می‌توان مطرح نمود که پیش‌بینی درک و فهم از طریق عوامل متعددی صورت می‌گیرد. در این میان، ویژگی‌های شخصیتی نیز بی‌تأثیر نبوده و می‌تواند نحوه درک و فهم مطالب را، با توجه به نوع ویژگی شخصیتی غالب، متأثر سازد.

در انتها پیشنهاد می‌شود ارائه آموزش‌های خاصی جهت بالا بردن ویژگی‌هایی از قبیل انعطاف‌پذیری شده، جهت افزایش میزان درک و فهم در جوانان و ارائه آموزش‌های روان‌شناختی در مراکز مشاوره، به جوانان به منظور افزایش هوش و خلاقیت آنها، جهت افزایش میزان درک و فهم در آنها اقدام شود.

منابع فارسی

- پهلوان نژاد، م. ر و نجفی، آ. (۱۳۸۲). *ارایه فرایندهای واژگانی به کودکان دبستانی و بررسی چگونگی تأثیر آن در درک مفاهیم آموزشی*. فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره (۴). ۲۵-۳۵.
- حسن‌زاده، ک. (۱۳۸۱). *بنیاد و ماهیت هوش آدمی*. تهران: جمال.
- سیف، ع. ا. (۱۳۷۸). *روان‌شناسی پرورشی*. تهران: آگاه.
- شریفی، ح. پ. (۱۳۷۶). *نظریه‌ها و کاربرد آزمون‌های هوش و شخصیت*. تهران: سخن.

طهماسبیان، ح، افشارنیا، ک، محمدی، ش و کاکابرای، ک. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیت با خلاقیت در دانشجویان دختر و پسر. تهران: مجله اندیشه و رفتار،

شماره ۳، دوره ۱۶، ۳۲۰-۳۳۰

عابدی، ج. (۱۳۷۹). رویکردهای نوین در خلاقیت و شیوه‌های ارزش‌یابی آن. ماهنامه تدبیر،

شماره ۴۰-۸۷، ۵۰

کامکاری، ک. (۱۳۸۵). طرح پژوهشی بررسی ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت، علائق شغلی و توقعات و انتظارات نخبگان پتروشیمی. تحت نظارت سازمان ملی پتروشیمی ایران، دفتر توسعه و پژوهش منابع انسانی.

گروسی فرشی، م. ت. (۱۳۸۰). رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت. تهران: نشر جامعه پژوه.

مطلب زاده، خ و منوچهری، م. (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش چندگانه با مهارت خواندن و درک مطلب در آزمون بین‌المللی زبان انگلیسی. فصلنامه اصول بهداشت روانی، شماره ۲، ۳۰-۲۵.

۲۵

منابع انگلیسی

- Baddeley, A. (1992).** *Working memory*. New York: Oxford University Press.
- Kearney; K. M. Barbara, J. Gilman, M. S. (2004).** *Assessment and Testing: what about the SB5, WISC-IV and other tests?*, March 20 th & 21 st.
- Roid, H. G. (2005).** *Manual stanford bitnet, intelligence scales for early childhood*, fifth edition, Riverside Publishing A Houghton Mifflin Company.
- Ruf, D. L. (2003).** *Use of the SB5 in the Assessment of High Abilities*. (Stanford- Bitnet Intelligence Scales, Fifth Edition Assessment Service Bulletins No. 3). Itasca, IL: Riverside Publishing.